



السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

يَا عَظَمَاءَنَا



« **حیاتی ترین نیازِ انسان چیست؟** »

جلسه دوم – ۱۰ مرداد ماه ۱۴۰۱

این بحثِ «**حیاتی‌ترین نیاز**»،

در واقع ادامهٔ بحثِ «**لوازمِ ظهور**»،

و تکمیل‌کنندهٔ بحثِ «**امید**»،

و «**اعتماد** به **عقل**» می‌باشد.

عرض شد: «**تمام جهان**»،

«**یکپارچه**» و «**به هم پیوسته**» است،

و در میان اجزاء آن «**هیچ فاصله**»،

و «**هیچ خلأئی**» نیست.

پس درسِ اول « **جهان بینی** »،

اینست که جهان آفرینش،

فقط « **ربط** » الی « **الله** » است.

پس « **حیاتی‌ترین نیاز** »

و « **هنرمندانه‌ترین هنر** » انسان،

و « **اولین تکلیف** »: والدین و زن و شوهرها،

و معلّمین و اساتید و مراکز آموزشی،

و مبلّغین و رسانه‌ها و دولت‌ها و تمام مردم، ...

تلاش برای «فهم و کشف»

«ارتباط»

میان تمام عناصر جهان است.

زیرا «هر انسانی»، «دائماً»،

باید «**بالإِجبار**» و «ناچاراً» با:

«**خود**» و «**خالق**» و «**خلائق**»،

در «ارتباط» باشد.

پرسش ۱:



«ارتباط» چه ضرورتی دارد؟

«ارتباط» دائمی مخلوق با «خالق»،

فیضِ «وجود» و «رحمتِ الهی» را

در «تمامِ» عناصر آفرینش،

«جاری» می کند.

و با «ارتباط» میان تمام مخلوقات،

«قانون داد و ستد» محقق می‌شود،

و هر مخلوق «بالاتری»،

فیضی را به «مخلوق پائین‌تر» می‌رساند.

و « **وسعت** و **عمقِ زندگی** » انسان،

به همین میزانِ « **کمّیت و کیفیت** »

« **مبادلات** » او با دیگران بستگی دارد،

زیرا زندگی، جز « **داد** و **ستد** » نیست.

ضمناً با «ارتباط»،

«توانائی‌هایِ» مخلوق «ابراز»،

و «نیازهایِ» او

«برآورده» می‌شوند.

پرسی ۲:



«أنواع ارتباط» کدامند؟

«ارتباط» ممکن است:

۱- «تکوینی» (ذاتی و غریزی و فطری)،

۲- «تشریعی» (از طریق الهام و وحی)،

۳- «آفاقی» (بیرونی)،

۴- یا «أنفسی» (درونی) باشد:

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ

إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا

فَيُوحِي بِأُذُنِهِ مَا يَشَاءُ ... (شوری / ۵۱)

و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز با وحی یا از پسِ حجابی

یا با سفیری که مأمور می‌کند و به اذن او آنچه لازم باشد وحی می‌شود ...

سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا

فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ

حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ (فصلت/۵۳)

به زودی نشانه‌هایمان را در افق‌های (بیرونی) و در درونشان به آنها می‌نمایانیم
تا برایشان روشن شود که فقط او «حق» است

«ارتباط‌های بشری» ممکن است:

۱- «**شخصی**» (بی‌واسطه میان دو نفر)،

۲- «**غیر شخصی** و **جمعی**» (با واسطه) باشد.

از طریق:

کتاب، گوشی، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و رسانه‌های جمعی.

ارتباط





ارتباط « شخصی »،

بی واسطه بین پیام دهنده و فرد یا افرادِ پیام گیرنده برقرار می شود،

در این نوع ارتباط، اطلاعات و پیام، مستقیماً مبادله می شود،

مثل گفتگو میان:

زوج ها و والدین و فرزندان و معلّم و شاگردان.

و «ارتباط‌های بشری» ممکن است:

۱- «عاطفی»، ۲- «علمی»، ۳- «معرفتی»،

۴- «ایمانی»، ۵- «سیاسی»، ۶- «اقتصادی»،

۷- «ادبی»، ۸- «اجتماعی»، ۹- «نظامی»،

۱۰- «تفریحی» باشد.

تمامِ « روابط جن و انس » ممکن است:

۱- با « گفتار »، ۲- با « رفتار »،

۳- با « ایماء و اشاره و إلقاء »،

۴- با « علائم و رنگ‌ها و نامرئی »،

۵- یا با « ابزار » باشد:

... وَإِنْ الشَّيَاطِينُ لْيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ

لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ.

(أنعام/١٢١)

... و در خفا شیطانها به کارگزاران خود وسوسه می کنند،

تا با شما ستیز کنند که اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید.

پرسش ۳:



« أجزاء ارتباط » کدامند؟

مهمترین عواملِ هر «ارتباطی» عبارتند از:

۱- «گوینده، یا فرستنده»،

۲- «پیام»، (همان «منظور» فرستنده)،

۳- «عوامل انتقال دهنده»،

۴- «شنونده» یا «گیرنده».

پرسش ۴:



« چالشهای ارتباطی » مقابل انسان کدامند؟

تمام افراد بشر در تمام طول تاریخ،

در « هر نوع ارتباطی »،

با « **دو چالش بزرگ** »،

« **مواجهه** » بوده و « **مواجهه** » هستند:

چالش اول:



چالش اول: « نفهمیدن پیام »،

و « برقرار نشدن ارتباط مؤثر »،

و « عدم مفاهمه » با:

« خود » و « خالق » و « خلق ».

احساس «تنهایی»،

و «افسردگی»،

از نشانه‌های «عدم تفاهم» است.

وقتی انسان **نمی‌تواند** قفلی را باز کند،

یا **نمی‌تواند** ماشینی را روشن کند و به کار بگیرد،

یا نوشته، نشانه، رمز، پیام یا علامتی را بفهمد،

یا وقتی در مدرسه یا مهمانی، افراد را نمی‌شناسد،

و آنها **نمی‌توانند** حرف یا زبان یکدیگر را بفهمند،

این « **ناتوانی** » در « برقراری ارتباط »,
« فشار روانی » زیادی را به شخص تحمیل,
و او را به: افسردگی، گریه، انزوا، اضطراب,
و احساسِ تلخِ « **غربت** و **تنهایی** » می کشاند.

« اکثر مردم جهان »،

« بیشتر مطالبِ کُتبِ آسمانی و کُتبِ بشری »

و « مسائل علمی و فلسفی و پزشکی و فنی »،

و « عللِ بیشترین بیماری‌های خود »،

و ⁴¹ « عللِ پیدایشِ حوادث » را « نمی‌فهمند ».

« **اکثر** مردم جهان »،

« مفهومِ بیشتر کلمات و جملات و علائمِ »

« زبانِ خودشان و زبانِ مردمِ سایر کشورها »،

و « معنای آداب و رسومِ » خودشان و آنها را

اصلاً « **نمی‌فهمند** ».

چالش دوم:



چالش دوم:

که از چالش اول بسیار خطرناکتر است،

« **بد فهمیدن پیام‌ها** »،

و « **سوء تفاهم** » با دیگران است.

« اکثر جوانان جهان »،

« محبت و دلسوزی والدینشان »،

و « خیرخواهی خیرخواهانشان » را

« بد می فهمند ».

به خاطر همین

« سوء تفاهم و بدفهمی »،

« آدم و حوّا » و « ابلیس »،

از « بهشتِ » نخستین، اخراج شدند.

و پس از شهادتِ بی‌دلیل « هابیل »،

هر روز هزاران هزار نفر در جهان،

به خاطرِ « سوء تفاهم و بدفهمی »،

با هم درگیر می‌شوند و

و کارشان به:

« بیمارستان یا دادگاه »

یا « زندان » یا « قبرستان »

و یا « **جهنم** » می کشد.

تمامِ پیامبران و امامان، (که بهترین خلق خدا بودند،)

فقط به خاطرِ همین سوء تفاهم به شهادت رسیدند.

و فقط به خاطرِ همین بدفهمی،

قرآن، بر سر نیزه و سفره عقد و روی سرها جا مانده

و در گفتار، رفتار و اخلاق مسلمین، «مہجور» است.

« اکثر مردم جهان »،

« بیشتر مطالب کتاب‌های آسمانی »،

و « دعوتِ انبیاء و رسولان الهی » را

« بد می‌فهمند ».

« اکثر زوجهای جهان »،

« سخن و رفتار و اخلاق یکدیگر »،

و « اصول و مسائل زندگی » را

« بد می فهمند ».

بیشتر « طلاق‌ها » در « جهان »،

میان « زوج‌های بسیار عاشق »،

فقط به خاطر « سوء تفاهم » رخ می‌دهد.

در زیارت هر معصومی باید از خود بپرسیم:

« پیامبران و امامان »

که منطقی ترین و مهربانترین مردم بودند،

به خاطر چه گناهی، کشته شدند؟

پس « **ریشه اصلی** تمام **مشکلات** »:

والدین و زوج‌ها و معلّمین و اساتید،

مبلّغین و رسانه‌ها و دولت‌ها و ملت‌ها، ...

« **نفهمیدن** » و « **بدفهمیدن** » آنهاست،

در واقع اکثر افرادِ «**شنونده**»، در:

خانه، مدرسه، اداره، جامعه و روابط بین الملل،

«**برداشتی ناقص** یا **غلط** یا **مخالف**»

با «**ذهنیت گوینده**» دارند.

پس تمام افرادِ « **بی سواد** » را

می توان به « **دو گروه** » تقسیم کرد:

افرادِ « **بی سواد سیاه آشکار** »،

افرادِ « **بی سواد سفید پنهان** ».

پرسش ۵:



«بی سوادى آشكار» چيست؟

« بی سوادى سپاه آشكار »

آنست كه در « اولين نگاه »، فهميده مى شود،
وقتى فرد نمى تواند اسمِ خود را روى كاغذ بنويسد،
يا نمى تواند نام يك خيابان را بر روى تابلو بخواند،
بى سوادى او معلوم است كه مى توان با آن مبارزه كرد.

پرسش ۶:



« بی سوادى پنهان » کدامست؟

« بی سوادِی سفیدِ پنهان »،

آنست که افراد ظاهراً « توانایی خواندن و نوشتن » دارند،
و مدارک تحصیلی و لوح تشویقی و گواهینامه متعدد هم دارند،
اما، در ساده‌ترین تعاملات اجتماعی و حتی روابط خانوادگی،
و در « فهم مفاهیم پُر تکرار زندگی »، « عاجز » اند.

این افراد « **پُر ادّعا** » و غرق در « خرافه و وهم و کج‌فهمی »،
نه تنها « **بی‌سواد** » تلقی و در آمارها ثبت نمی‌شوند،
بلکه با « مدارک رنگارنگ دانشگاهی » خود،
« باورهای غلط » را هم به جامعه « تحمیل » می‌کنند،
و بزرگترین « مانع » رشد و فعالیت افرادِ « **باسواد** » اند.

و آنها قطعاً نمی‌توانند

با « خالق و خود و خلق »،

(و با طبیعت و حقیقت و عدالت)،

« رابطه منطقی » برقرار کنند.

به خاطر همین « **بی سواد**ی **پنهان** »،

« **ظلم** و **جور** و **دروغ** و **تخلف** و **جنایت** »،

و « **قهر** و **طلاق** » در خانواده‌های تحصیلکرده،

هر روز « **بیشتر** » می‌شود.

احساسِ «**تنهایی**»

و «**افسردگی**» هم

در میان افراد ظاهراً باسواد بیشتر است.

امروز اکثر مردم جهان، در:

« **وهم**، **خیال**، **شک**، **تردید** و **خرافه** »،

« غرق » و « سرگردان » هستند،

و با هر چیزی، « **فریب** » می‌خورند.

و در بیشتر «**روابط**» با یکدیگر،

از «**عدم تفاهم** و **سوء تفاهم**»

رنج می‌برند و با هم اصطکاک دارند.

و غالب مردم با این ذهنیت‌های پراکنده،
« خودخواه و مغرور و متکبر » اند،
و برای « قهر و طلاق و درگیری »،
همیشه آماده هستند.

پرستی ۷:



« بهترین حالت » در زندگی چیست؟

پرستی ۸:



« عوامل اصلی سوء تفاهم » کدامند؟



خدایا:

« سالم‌ترین ارتباط »،

و « مفیدترین ابراز »،

و توفیق « بیشترین شُکر » را به ما عطا فرما،

تا در « ظهورِ آخرین حجّت » سهیم باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ